

## ۱۴۰- در آخرین شب ماه رمضان

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت علی بن الحسین علیه السلام هرگاه ماه رمضان فرا می‌رسید، هیچ غلام و یا کنیزی را کتک نمی‌زد، و اگر غلام یا کنیزی گناهی مرتکب می‌شد، نزد خود می‌نوشت فلانی گناه کرد و فلان کنیز گناه کرد در فلان روز و فلان وقت و او را کیفر نمی‌داد. پس کیفر آنها جمع می‌شد، تا اینکه آخرین شب ماه رمضان فرا می‌رسید. و آنان را فرا می‌خواند، و در اطراف خود جمع‌شان می‌کرد، سپس آن نامه را آشکار می‌نمود و می‌فرمود: ای فلان تو چنین و چنان کردی، و تو را ادب نکردم، آیا این را به یاد می‌آوری؟ و او می‌گفت: آری ای فرزند رسول خدا. تا به همه آنها رسیدگی می‌کرد، و از همه اقرار می‌گرفت، سپس در میان آنان می‌ایستاد، و به آنها می‌فرمود: صداهای تان را بلند کنید و بگویید:

ای علی بن الحسین، پروردگار تو هر چه را عمل کردی بر تو شماره کرده است آنگونه که شماره کرده‌ای بر ما هر چه را عمل کرده‌ایم، و نزد او نامه‌ای است که به حق با تو سخن می‌گوید و هیچ کار کوچک یا بزرگی را رها نمی‌کند از آنچه عمل کرده‌ای. مگر اینکه آن را به شمار آورده باشد. و هر چه را عمل کرده باشی حاضر می‌بینی، آنگونه که ما هر چه را عمل کردیم نزد تو حاضر یافتیم، پس عفو کن و گذشت نما آنگونه که از پروردگار امید عفو داری و آنگونه که دوست داری که عفو کند پروردگار، تو را. پس ما را عفو کن. او را بخشنده و مهربان و آمرزنده می‌یابی، و ستم نمی‌کند پروردگار تو بر کسی همانگونه که نزد تو نامه‌ای است که بر ما به حق سخن می‌گوید و هیچ کار کوچک یا بزرگی را رها نکرده از آنچه انجام داده‌ایم مگر اینکه به شمار آورده است، پس به یاد آور، ای علی بن الحسین، خواری ایستادنت را در پیشگاه پروردگارت، که حاکم عادل است، و به سنگینی دانه خردلی ظلم نمی‌کند، و آن را روز قیامت می‌آورد، و کافی است خداوند، که حساب کننده و گواه باشد، پس عفو کن و گذشت نما، پروردگار، تو را عفو می‌کند و می‌گذرد، که او می‌فرماید:

﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾

«باید عفو کنند و گذشت نمایند آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد.»

سپس آن حضرت به خود خطاب می‌کرد و آن را بلند می‌خواند. و آنان را تلقین می‌کرد، و آنان همراه او فریاد می‌کشیدند و او در میان شان می‌ایستاد، و گریه و زاری می‌نمود و می‌گفت:

رَبِّ إِنَّكَ أَمَرْتَنَا أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا، فَتَحْنُ قَدْ عَفَوْنَا عَمَّنْ ظَلَمْنَا كَمَا أَمَرْتَ، فَاعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا وَمِنَ الْمَأْمُورِينَ، وَأَمَرْتَنَا أَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنْ آبَائِنَا وَقَدْ أَتَيْنَاكَ سُؤلاً وَمَسَاكِينَ، وَقَدْ أَنْخَنَا بِفِنَائِكَ وَبِبَابِكَ نَطْلُبُ نَائِلَكَ وَمَعْرُوفَكَ وَعَطَاءَكَ، فَاْمُنْ بِذَلِكَ عَلَيْنَا وَلَا تُخَيِّبْنَا، فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا وَمِنَ الْمَأْمُورِينَ.

ای پروردگرم تو ما را دستور دادی که عفو کنیم هر کسی را که به ما ستم نموده است و ما به خودمان ستم نموده‌ایم، ما اینک عفو کرده‌ایم هر کس را که به ما ستم کرده است آنگونه که فرمان دادی، پس ما را عفو کن که تو به آن ما سزاوارتری و از مأموران نیز، و دستور دادی ما را که سائلی را از در خانه‌هایمان رد نکنیم، و ما به سوی تو سائل و مسکین آمده‌ایم، و در آستانه‌ات مرکب را خوابانده‌ایم و بر در تو عطا و احسان و بخشش را می‌جوییم، پس بر ما به آن منت گذار بر ما و محروم‌مان مکن، که تو به آن از ما سزاوارتر هستی و از مأموران.

إِلٰهِهِ كَرُمْتَ فَأَكْرَمِنِي إِذْ كُنْتُ مِنَ سُؤَالِكَ، وَجَدْتَ بِالْمَعْرُوفِ فَأَخْلَطَنِي بِأَهْلِ نَوَالِكَ يَا كَرِيمٌ.

خدای من، تو گرامی هستی، پس مرا گرامی بدار که از سائلان تو هستم، و تو به نیکی، بخشش نموده‌ای پس آمیخته ساز مرا با احسان شدگان، ای بزرگواری.

سپس روی به آنان می‌کرد و می‌فرمود: شما را بخشیدم، آیا شما مرا و آنچه را از من به شما رسیده است از بد رفتاری‌ام می‌بخشید؟ و آنها می‌گفتند: تو را بخشیدیم ای سرور ما، در حالی که تو بدی نکرده‌ای، آنگاه حضرت عَلَيْهِ به آنها می‌فرمود: بگویید:

اَللّٰهُمَّ اغْفُ عَن عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ كَمَا عَفَىٰ عَنَّا، وَاَعْتِقْهُ مِنَ النَّارِ كَمَا اَعْتَقَ رِقَابَنَا مِنَ الرَّقِّ.

خداوندا عفو کن علی بن الحسین را آنگونه که ما را عفو کرد و او را از آتش برهان آنگونه که رها کرد گردن‌هایمان را از بردگی.

و آنان این را می‌گفتند. و حضرت می‌گفت: «اَللّٰهُمَّ اَمِيْنَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ؛ خداوندا، اجابت فرما، ای پروردگار جهانیان» بروید، که شما را عفو کردم.

و گردن‌هایتان را از طوق بندگی رها نمودم. به امید آنکه از من عفو شود، و گردنم رها گردد پس آنان را آزاد می‌کرد، و هنگام که روز عید فطر فرا می‌رسید به آنان جوایزی می‌داد. که آنها را مصون می‌داشت، و بی‌نیازشان می‌کرد از آنچه در دست مردم بود... «حدیث»